

## درباره محکومیت ایران در سازمان ملل به نقض حقوق بشر

بسمه تعالی

شماره ۸۰/۳۱۳۵

تاریخ ۱۳۸۰/۳/۲۱

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی  
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام

انتخاب مجدد جناب عالی را به ریاست جمهوری اسلامی ایران، با رأی چشمگیر مردم شریف ایران که در نوع خود بی سابقه است تبریک عرض می‌کنم و امیدوارم با صداقت و حسن نیت و خلوصی که همگان از شما سراغ دارند، این توفیق را پیدا کنید که به این اعتماد عظیم عمومی پاسخ شایسته بدهید و همان‌طور که در اهداف اعلام شده خودتان آمده است، در جهت تحقق حکومت مردمی دینی، تأمین رفاه و آسایش مردم، احترام به حیثیت و حقوق افراد، امنیت فردی و اجتماعی، اعتلای کشور جمهوری اسلامی ایران و اجرای صحیح اصول قانون اساسی، مدد الهی، همکاری و همدلی مسئولین و تداوم پشتیبانی مردم را داشته باشید و بتوانید این اهداف را تحقق بخشید.

جناب آقای رییس‌جمهور، وقتی حضور گسترده و بی‌نظیر مردم را از اقشار مختلف از زن و مرد و پیر و جوان در پای صندوق‌های رأی و تحمل انتظار چند ساعته در صف رأی‌گیری و انتخاب آزادانه و آگاهانه آنان را دیدم دریغ آمد از یادآوری مطالبی که بارها شفاهاً و کتباً خدمتتان معروض داشتم، در این دور جدید تحمل این مسؤولیت بزرگ خودداری کنم. و آن مسأله محکومیت دولت جمهوری اسلامی ایران به نقض حقوق بشر از سوی سازمان ملل متحد و تحت نظارت بودن وضعیت حقوق بشر ایران از سوی کمیسیون حقوق بشر است. به نظر می‌رسد، این ملت بزرگ و سرافراز و آزاده و آگاه و دولت منصوب و منتخب این ملت، سزاوار گرفتن قطعنامه حاکی از نقض وسیع حقوق بشر از سوی سازمان ملل نیست. ناخودآگاه به یاد جمله‌ای افتادم که در تاریخ

GD000433

۱۳۷۸/۲/۸ پس از بازگشت از شرکت در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل طی گزارشی خدمتتان نوشتیم به این عبارت «... فکر می‌کنم، غیرت و حمیت اسلامی و ایرانی ما نمی‌تواند قرار گرفتن ایران را در کنار کشورهای چون افغانستان، روآندا، میان مار، گینه استوایی و امثال آن‌ها به‌عنوان ناقض حقوق بشر برتابد و صرف سیاسی خواندن موضوع، نیز تکلیف را ساقط نمی‌کند».

هم‌چنین وقتی این عظمت و غرور آفرینی‌ها را دیدم به یاد عبارتی افتادم که ۸ سال پیش در مرداد ماه سال ۱۳۷۲ یکی از اعضا کمیته حقوق بشر که اهل اکوادور بود در آخرین جلسه بررسی گزارش ایران در مورد میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی خطاب به هیأت ایرانی که این‌جانب سرپرستی آن را به‌عهده داشتیم ابراز کرد و من هیچ‌گاه فراموش نمی‌کنم وی گفت: «... ایران کشوری بزرگ و دارای تمدنی قدیم و معتبر است و ما که فاصله بسیار زیادی با شما داریم در کتابهای درسی دبستانی می‌خواندیم که ایران مرکز تمدن بوده است. دین اسلام نیز دین بزرگ و قابل احترامی است و حیف است نام کشور شما با چنین خصوصیتی به‌عنوان کشور ناقض حقوق بشر شناخته شود، برای تغییر این وضع همتی نمایید».

امسال، به ابتکار رییس‌جمهور اسلامی ایران، از سوی سازمان ملل متحد، سال بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها اعلام شده است و مجمع عمومی سازمان ملل در اجلاس آینده خود طبعاً بحث ویژه‌ای را به این موضوع اختصاص خواهد داد که به‌طور طبیعی نام ایران اسلامی محور بحث‌ها و گفتگوها قرار می‌گیرد و بسیار ناخوشایند است که همین مجمع عمومی باز قطعنامه‌ای در خصوص نقض حقوق بشر در ایران تصویب نماید. به گفته آن عضو اکوادوری کمیته حقوق بشر باید همتی کرد و این وضعیت را تغییر داد و این انتظار از جناب‌عالی به‌عنوان کم‌نظیر و شاید بی‌نظیرترین رییس‌جمهوری که بزرگترین پشتوانه رأی و ابراز اعتماد ملت را با خود دارد می‌رود که تمام توان خود را در جهت اعتلای ایران اسلامی به کار بندد و از زمینه مساعدی که فراهم آمده در این راه حسن استفاده را بنماید و از جمله به‌طور جدی از دستگاه‌های اجرایی، امنیتی و قضایی بخواهد که حقوق شناخته شده مردم در قانون اساسی را

رعایت کنند، در تعقیب و دستگیری و صدور قرار تأمین و بازداشت و محاکمه افراد واقعاً مقررات قانونی را اعمال نمایند و به حقوق و حیثیت مردم احترام بگذارند باور کنید با همه غرض ورزی‌ها و سیاسی‌کاری‌ها و اختلافات مبنایی که وجود دارد اگر در برخورد با مردم و حقوق و آزادی‌های آنها طبق اصول قانون اساسی به دور از کج سلیقه‌ها و توجیهات غیرقابل قبول عمل شود، احتمال تصویب قطعنامه علیه ایران بسیار کاهش می‌یابد، بسیار ناپسند و ناگوار است که هم در گزارش نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر و هم در اظهارات نمایندگان برخی از دولت‌ها در سازمان ملل بیش از آن که حکومت ایران به نقض موازین حقوق بشر متهم شود، به عدم رعایت اصول قانون اساسی و قواعد دادرسی داخلی خود متهم می‌گردد، این جانب طی مدت ده سالی که با مسایل و مباحث حقوق بشری سروکار داشتم، مقالات متعددی منتشر کردم گزارش‌های مختلفی از اجلاس‌های حقوق بشر ارایه دادم و سه جلد کتاب در این زمینه‌ها به چاپ رساندم و همواره نظریات و پیشنهادات خیرخواهانه‌ای ارایه دادم و اگر موجب مزاحمت و ملال خاطر جناب‌عالی نمی‌بود فرازهایی از آنها را که در مقالات و گزارش‌های سال ۱۳۷۲ نوشته‌ام (که البته در کتاب: حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران درج شده است) حضورتان می‌فرستادم و ملاحظه می‌فرمودید که پس از گذشت بیش از ۷ سال ناگزیر شدم در گزارشی که در پایان سال ۱۳۷۹ طی مقاله‌ای تحت عنوان: اجلاس هزاره مجمع عمومی و وضعیت حقوق بشر در ایران نگاشتم به نوعی همان درخواست‌ها و پیشنهادات را مطرح نمایم ولی متأسفانه این اظهارات مشفقانه و دلسوزانه مورد توجه قرار نگرفت بلکه همواره در هنگام مطرح بودن بحث حقوق بشر در کمیته سوم مجمع عمومی و یا در کمیسیون حقوق بشر وقایعی رخ داده که موجب شده دولت‌هایی هم که می‌خواستند در رویه خود تجدید نظر کنند و رأی خویش را به نفع جمهوری اسلامی ایران تغییر دهند دچار تردید کرده است. حتماً به استحضارتان رسیده است که در همین سال جاری نمایندگان برخی از دولت‌ها که قول داده بودند رأی ممتنع خود به قطعنامه را به رأی منفی تبدیل کنند پس از انعکاس بعضی از اقدامات که توجیه قانونی آن برای کسی مقبول نبود، عذرخواهی کردند و به

رأی سابق خویش بازگشتند اگر می‌شد خود را قانع کرد که صدور و تصویب قطعنامه علیه جمهوری اسلامی ایران صرفاً ناشی از خوی استکباری و غرض‌ورزی سیاسی تعدادی از کشورهای غربی نباشد و وجود مسؤولین و مدافعین نظام راحت بود افتخار، با چنین قطعنامه‌ای مواجه می‌شد و وجدان مسؤولین و مدافعین نظام راحت بود ولی امروزه ضمن این‌که اجمالاً، اعمال غرض و سیاسی کاری در این زمینه را نمی‌توان منکر شد ولی نمی‌شود صرفاً این امر را عامل صدور قطعنامه دانست و خود را راحت و تکلیف را ساقط شده دانست، مطمئناً در فضای کنونی بین‌المللی و با ملاحظه آراء سال جاری کمیسیون حقوق بشر به قطعنامه (۲۲ رأی مثبت و ۲۰ رأی منفی) دولت‌های زیادی مایلند، بهانه و دستاویز بی‌نی نباشد تا رأی منفی به قطعنامه بدهند ولی با کمال تأسف همواره بهانه و دستاویزی، فراهم شده است.

به هر صورت به نظر می‌رسد ابراز اعتماد بی‌نظیر ملت به شخص جناب‌عالی به عنوان رئیس‌جمهور آن هم در دوره دوم ریاست جمهوری این انتظار را ایجاد می‌کند که در راستای سربلندی ایران اسلامی، از یک سو دستور فرمایید دیپلماسی فعالی برای از میان برداشتن صدور قطعنامه به کار افتد، چه اشکالی دارد درخواست نماینده‌ی ویژه کمیسیون حقوق بشر برای دیدار از ایران پذیرفته شود تا از نزدیک شاهد تحقق بهترین دموکراسی و حکومت متکی بر آراء مردم باشد و آن را در گزارش خود منعکس نماید و نیز اصلاحاتی را که گفته می‌شود در قوه قضاییه در حال انجام است و تأکیدی که بر حکومت قانون و استقلال قاضی می‌شود مشاهده کند و آن را در گزارش خود بیاورد تا زمینه صدور قطعنامه منتفی گردد.

از سوی دیگر انتظار می‌رود به دستگاه اجرایی و مخصوصاً دستگاه انتظامی و امنیتی و نهادهایی چون شهرداری‌ها که در حوزه قوه مجریه هستند دستور فرمایید در برخورد با مردم، حیثیت و کرامت و احترام ذاتی انسانی و حقوق شناخته شده آنان در قانون اساسی را واقعاً رعایت نمایند و نظارت لازم و مستمر و مؤثر بدون این‌که صرفاً جنبه گذرا و تبلیغاتی داشته باشد بر این امر به عمل آید مخصوصاً رعایت این امر در حوزه‌هایی چون گزینش، تعزیرات حکومتی، شهرداری‌ها، اداره اماکن و نیز در

تصمیمات متخذه از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی بسیار ضروری به نظر می‌رسد. هم‌چنین پشتوانه عظیم و معنی‌دار آرای اکثریت قاطع مردم این انتظار را ایجاد می‌کند که به‌عنوان بالاترین مقام رسمی کشور بعد از مقام رهبری در جلسات هماهنگی که با سران قوا دارید مصراً بخواهید که خط مشی و روند کلی عملکرد دستگاه قضایی در چارچوب اصول قانون اساسی و رعایت حقوق و حیثیت مردم حرکت کند و دستگیری‌ها، بازداشت‌ها و احکام با مراعات موازین قانونی و قابل دفاع باشد. حکومت قانون و استقلال قاضی که امروزه مرکز ثقل و محور عمده مسایل حقوق بشری است، به معنای درست و واقعی آن اعمال شود، برای یک نظام حکومتی، امر نامطلوب و ناخوشایندی است که مردم از قوه قضاییه به قوه مجریه تظلم کنند و مدعی تضییع حقوق انسانی خود از سوی دستگاه قضایی گردند و وقتی رییس‌جمهور یا هیأت منصوب از سوی او به حکم مسؤولیت اجرای قانون اساسی که طبق اصل ۱۱۲ به‌عهده‌اش گذاشته شده و به استناد قانون مصوب مجلس شورای اسلامی که اختیار و وظیفه بازرسی، پیگیری، نظارت و اخذ توضیح را داراست، در مقام استفسار موضوع برمی‌آید، پاسخ داده می‌شود که این امر دخالت قوه مجریه در قوه قضاییه است در حالی که قوه قضاییه مستقل است و خود وظیفه احقاق حق و نظارت بر حسن اجرای قانون را برعهده دارد و کسب اطلاع و پیگیری در این زمینه‌ها ارتباطی با رییس‌جمهور ندارد و متأسفانه عملکرد به‌گونه‌ای است که توجیه قابل قبولی نه در افکار عمومی داخل و نه در بازتاب خارجی آن ندارد. امید و انتظار است که با حسن نیت و صداقت و نزاکتی که خاص جناب‌عالی است همراه با انتظارات مشروع فراوانی که خیل عظیم رأی‌دهندگان از شما دارند بتوانید نظر مقامات قضایی را به توجه بیشتر به مسایل جلب نمایید و با هماهنگی مشکلات را حل بفرمایید.

تصویری از آخرین مقاله‌ای که در زمینه حقوق بشر پس از اجلاس هزاره مجمع عمومی سازمان ملل نوشته‌ام و در زمستان سال ۱۳۷۹ در مجله راهبرد منتشر شده حضورتان ارسال می‌دارم که اگر زمانی فرصت فرمودید ملاحظه نمایید ولی امیدوارم نگاهی به صفحه آخر آن که تحت عنوان بند ۶ از تأمل بر قطعنامه مجمع عمومی آمده

است و علامت زدهام مطالعه فرموده و تصمیم لازم را اتخاذ فرمایید از اطاله کلام پوزش  
می طلبم.

بار دیگر موفقیتتان را تبریک می گویم و توفیق شما را برای خدمت به این ملت شریف  
و بزرگوار و آگاه از خداوند مقلب القلوب خواهانم.

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و رییس

هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۸۰-۲۰۴۷

تاریخ ۱۳۸۰/۳/۳۰

حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر روحانی

دبیر محترم شورای عالی امنیت ملی

با سلام

گزارش شماره ۸۰-۳۱۳۵ مورخ ۸۰/۳/۲۱ مشاور محترم رئیس جمهور و رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی و ضمیمه‌ی آن در خصوص محکومیت مجدد ایران به نقض حقوق بشر از سوی سازمان ملل متحد (تصاویر پیوست)، به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی‌نوشت فرمودند:

«به نام خدا»

جناب آقای دکتر روحانی

نامه‌ی دردمندانه و خیرخواهانه‌ی جناب آقای دکتر مهربور در خور توجه است. دفاع از نظام و پاسداری از حرمت و عظمت ملت شریف ایران وظیفه‌ی بزرگ ماست. در برابر هرگونه ضربه‌ای و وهنی نسبت به این کشور و مردم باید ایستاد. آنچه در عرصه بین‌المللی جاری است، بسیار تأسف آوراست. درست است که دشمنان و بدخواهان با بهانه یا بی‌بهانه در صدد ضربه زدن به منافع انقلاب و کشور و ملت و ایجاد فشار به آن هستند ولی آیا آنچه در درون ما می‌گذرد دارای نارسایی و ناروایی نیست. مهمترین شعار بنده قانونگرایی و تثبیت نظام بر پایه قانون اساسی بوده است. با کمال تأسف قانون اساسی مورد اهتمام خیلی از دستگاه‌ها نیست. رئیس جمهور هم که مجری قانون اساسی است امکانات و اختیارات لازم را ندارد از امکان مختصری که دارد (اعلام موارد نقض) هم به‌خاطر رعایت

مصالح بزرگتر استفاده نکرده است. نمی خواهیم مسأله را به تنش برسانیم ولی چه باید کرد؟ بسیاری از اموری که جاری است و بهانه‌ی محکومیت ما می‌شود به حق اشکالات اساسی دارد. به نظر می‌آید به عنوان گام آخر لازم است جناب عالی با مسؤولیت کامل و بدون ملاحظات در دبیرخانه جلسه‌ای با حضور وزیران محترم امور خارجه و اطلاعات (و کارشناسان مجرب آنان) و نیز حقوقدانانی وارد و خیرخواه نظیر جناب آقای دکتر مهرپور، جناب آقای دکتر محقق داماد و جناب آقای دکتر میرمحمد صادقی (و نیز هر کسی دیگر که جناب آقای شاهرودی تعیین کنند) هم‌چنین یکی دو نفر از نمایندگان وارد مجلس تشکیل دهید و فارغ از همه‌ی انگیزه‌ها و گرایش‌های سیاسی کار کارشناسی کنید و بعد بینم در شورای عالی امنیت ملی یا احیاناً در جلسه سران قوا مطرح کنیم تا ان شاء الله به نتیجه برسیم. به نظر من خارج کردن ایران از شمول محکومیت حقوق بشری کار دشواری نیست. ما در داخل اگر عهد کنیم که صرفاً در چارچوب قانون اساسی خودمان حرکت کنیم و در بیرون هم دیپلماسی فعالی داشته باشیم (که در این سال‌ها داشته‌ایم) رسیدن به این هدف که خیر انقلاب و ملت در آن است کار دشواری نیست. انتظار دارم با همت و درایت این کار را انجام دهید و مرا در این باب یاری کنید. هیچ سروصدا هم لازم نیست، رسیدن به نتیجه منطقی و مشروع برای ما مهم است».

سیدمحمدعلی ابطحی

گیرندگان:

- حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای یونسی

وزیر محترم اطلاعات، همراه با تصویر



- جناب آقای دکتر خرازی

وزیر محترم امور خارجه، همراه با تصویر

- جناب آقای دکتر مہرپور

مشاور محترم رئیس جمهور و رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی، همراه با تصویر

- جناب آقای دکتر میرمحمد صادقی

سخنگوی محترم قوهی قضاییہ، همراه با تصویر

- جناب آقای شیخ

رئیس محترم نهاد قوهی قضاییہ، همراه با تصویر

- حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر محقق داماد، همراه با تصویر

## پیشنهاد تشکیل انجمن دفاع از قربانیان قصاص

بسمه تعالی

شماره ۱۴۳۰۷

تاریخ ۱۳۸۰/۴/۴

حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر روحانی

دبیر محترم شورای عالی امنیت ملی

جناب آقای دکتر مهرپور

مشاور محترم رییس جمهور و رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

رونوشت نامه شماره ۱/۲۰۷۰-۳۳۱ مورخ ۸۰/۳/۳۱ نمایندگی دایم جمهوری اسلامی ایران نزد دفتر ملل متحد - ژنو در خصوص پیشنهاد تشکیل انجمن حمایت از قربانیان قصاص (تصویر پیوست)، به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی نوشت فرمودند:

«جناب آقای دکتر روحانی

جناب آقای دکتر مهرپور

جهت ملاحظه و پیگیری مقتضی».

سید محمد علی ابطحی

بسمه تعالی

حضرت آیه الله هاشمی شاهرودی  
مقام محترم ریاست قوه قضائیه

سلام علیکم،

پیرو مذاکره حضوری با حضرت عالی در مورد چگونگی اجرای حدود و قصاص در جمهوری اسلامی ایران و تلاش برای تفهیم بین المللی آن (جلوگیری از انعکاس هرگونه آثار منفی) به استحضار می‌رساند: جامعه بین المللی آشنایی بسیار ناچیزی دربارهی قصاص دارد و نمی‌داند این امر در زمره‌ی اختیارات اولیای دم بوده و حکومت مدعی آن نمی‌باشد. به ویژه این که اغلب به اصطلاح تنبیهاات شکنجه آور در دیدگاه بین المللی نظیر چشم درآوردن در چارچوب قصاص قرار می‌گیرند.

پیشنهاد می‌شود توصیه فرمایند انجمنی به صورت یک سازمان غیردولتی و مثلاً تحت عنوان «انجمن حمایت از قربانیان قصاص» تشکیل یافته و هدف آن میانجیگری بین اولیای دم و قربانیان قصاص باشد. فوائد چنین انجمنی که در سازمان ملل متحد به عنوان سازمان غیردولتی به ثبت می‌رسد به شرح ذیل خواهد بود:

۱- اعلام موجودیت چنین انجمنی یک اقدام حقوق بشری از سوی جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌گردد که با استقبال جامعه بین المللی و گزارشگران حقوق بشری روبه رو خواهد شد.

۲- این انجمن می‌تواند به طور مستقل تمام تلاش خود را به کار گیرد تا موارد انجام قصاص را حتی الامکان کاهش دهد. آثار مثبتی که در جامعه بین المللی از بخشش اولیای دم نسبت به اعدام امینی مقدم در سال گذشته به وجود آمد می‌تواند الگو قرار گیرد.

۳- حضور و فعالیت این انجمن در کمیسیون حقوق بشر و ارایه گزارشات مستقل می‌تواند بخشی از بار سنگین انتظارات جهانی از قوه قضائیه را برطرف سازد.

۴- یک چنین سازمان غیردولتی می‌تواند در سطح جهان با سایر سازمان‌های غیردولتی در تماس بوده به تبادل اطلاعات پرداخته و هدف از قصاص را تشریح نماید.

سفیر و نماینده‌ی دائم

## بسمه تعالی

شماره ۸۰/۳۱۶۶

تاریخ ۱۳۸۰/۴/۱۰

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی  
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام

عطف به پی‌نوشت نامه شماره ۱۴۳۰۷ مورخ ۸۰/۴/۴ در خصوص پیشنهاد نمایندگی دائم جمهوری اسلامی ایران در ژنو مبنی بر تشکیل: «انجمن حمایت از قربانیان قصاص» به منظور میانجیگری بین اولیای دم و قربانیان قصاص و در نتیجه جلوگیری از اجرای قصاص و ممانعت از بازتاب‌های منفی بین‌المللی آن، به نظر این جانب عنوان این انجمن و نیز تشکیل آن به نام سازمان غیردولتی و با توصیه دولت یا قوه قضاییه امر مناسبی نیست و نتیجه مورد نظر را نخواهد داد؛ عنوان: «انجمن حمایت از قربانیان قصاص» نظیر عناوین: انجمن حمایت از قربانیان خشونت، قربانیان شکنجه و امثال آن‌هاست ولی با این تفاوت که خشونت و شکنجه مذموم و ممنوع و طبق موازین بین‌المللی و نیز قانون اساسی و قوانین موضوعه ما نیز غیر مجاز شمرده شده و منطقی است که افرادی که تحت شکنجه قرار گرفته‌اند را قربانی نامید و از آن‌ها حمایت کرد. ولی قصاص یک امر قانونی و شرعی است که در نص قرآنی ذکر شده است: «یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم القصاص فی القتلی... و لکم فی القصاص حیوة یا اولی الاباب...» (سوره بقره آیات ۱۷۸ و ۱۷۹) چگونه می‌توان کسی را که مثلاً مرتکب قتل عمد شده است و جرم او پس از بررسی در دادگاه ثابت می‌شود و به حکم قانون به قصاص محکوم می‌شود قربانی قصاص نامید و انجمنی برای حمایت از او تشکیل داد. گمان نمی‌کنم اعلام موجودیت چنین انجمنی آن هم به وسیله یا با توصیه حکومت از لحاظ جامعه بین‌المللی نیز مفید باشد ضمن آن‌که ممکن است از دیدگاه کشورهای اسلامی بازتاب منفی نیز داشته باشد.

بنده فکر می‌کنم مشکلی که در رابطه با حکم قصاص و اجرای آن و بازتاب‌های

بین‌المللی آن داریم به سه امر برمی‌گردد:

۱- اصل حکم اعدام، حال، چه در مورد قصاص یا در ارتباط با موارد دیگر، چنان که می‌دانید امروزه در سطح بین‌المللی گروهی شدیداً طرفدار لغو مجازات اعدام هستند و دولت‌ها را تشویق می‌کنند که مجازات مرگ را از قوانین خود حذف نمایند. در این زمینه دومین پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در سال ۱۹۸۹ از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شد که به موجب آن دولت‌های عضو آن پروتکل مکلفند در قلمرو خود مجازات اعدام را اجرا ننمایند و قوانین ناظر به مجازات اعدام را لغو کنند.

تا سال ۱۹۹۷ که آمار آن را این‌جانب در اختیار دارم ۳۱ کشور به این پروتکل پیوستند شاید چند کشوری هم در سال‌های اخیر پیوسته باشند ولی به هر حال تعداد زیادی از کشورها هنوز مجازات اعدام را در قوانین خود دارند و به این پروتکل نپیوستند که جمهوری اسلامی ایران نیز در زمره آن‌هاست.

۲- خصوصی بودن جرم قتل عمد، در قانون مجازات ما به تبعیت از برداشتی که در فقه وجود دارد جرم قتل عمد جنبه خصوصی دارد و توجه چندانی به جنبه عمومی آن نشده است و لذا به شاکی یا ولی دم از همان ابتدا، عنوان مدعی داده شده که باید ادعای خود را ثابت نماید و زمام امور هم در دست اوست یعنی اگر توانست قتل عمد را ثابت کند می‌تواند مقابله به مثل را بخواهد و قصاص کند و می‌تواند به جای قصاص به گرفتن دیه رضایت دهد و می‌تواند به کلی قاتل را عفو کند. با این دیدگاه علی‌القاعده بدون خواست شاکی که در واقع ولایت و اختیار به دست او داده شده و با عنوان ولی دم از او یاد می‌شود، دادگاه نمی‌تواند جانی را تعقیب و مجازات کند و با درخواست قصاص از جانب او (طبعاً در صورت اثبات) دادگاه نمی‌تواند تبدیل و تخفیفی در مجازات بدهد. پس از گذشت نزدیک ده سال از قانون مربوط به حدود و قصاص و دیات و تجربه پیامدهای ناگواری که مطلق بودن جنبه خصوصی قتل داشته در سال ۱۳۷۰ قانون‌گذار توانست در یک جهت، جای پای برای اعمال نظر دادگاه و جنبه عمومی جرم قائل شود و آن این‌که اگر قتل عمدی واقع شد و شاکی وجود نداشت یا از شکایت صرف‌نظر کرد به دادگاه

اختیار داده شد که با ملاحظه جنبه عمومی جرم و مسأله اخلال در نظم جامعه و بیم تجری، قاتل را به حبس از ۳ تا ده سال محکوم نماید (ماده ۲۰۸ قانون مجازات اسلامی). ولی در جهت دیگر قضیه یعنی آنجا که مدعی یا ولی دم خواهان قصاص است دادگاه اقدامی در جهت تخفیف مجازات نمی‌تواند بنماید و جهات و کیفیات مخففه از جمله اوضاع و احوال و اعمال خود مقتول که ممکن است مؤثر در ارتکاب جرم باشد مجوز اقدام دادگاه در تبدیل اعدام به مجازات دیگر نمی‌شود و ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی تأثیر جهات مخففه را فقط ناظر به مجازات‌های تعزیری می‌داند (نه حدود و قصاص) این‌ها مسایلی است که به‌طور جد باید مورد توجه مجلس و شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت واقع شود و با برداشت روشن‌بینانه از حکمت احکام شرعی و در نظر گرفتن واقعیت‌ها قوانین اصلاح شود.

۳- مسأله بحث‌انگیز دیگر که در قانون مجازات ما وجود دارد قصاص عضو است، در این مورد با عنایت به مطلق بودن جنبه خصوصی جرایم موجب قصاص به فردی که با جنایت عمدی کسی عضوی را از دست داده، یا ناقص شده است می‌تواند (پس از اثبات) همان کار را بکند و به همان اندازه و در همان کیفیت عضو جانی را قطع یا ناقص کند. اعمال این نوع مجازات به لحاظ خشونتتی که طبعاً در اجرای آن وجود دارد امروزه مورد انتقاد شدید مجامع بین‌المللی و مراجع حقوق بشری است ولی راه حل قضیه در تشکیل انجمن حمایت از قربانیان قصاص نیست. باید مراجع فقهی و قانون‌گذاری با نگرشی جدید به مقررات جزایی فقهی راه حل متناسبی ارائه دهند. وقتی مقامات ذی صلاح فقهی و قانونی یا نمی‌خواهند یا نمی‌توانند توجیه قابل قبولی برای این نوع مجازات‌های بدنی شدید متکی بر صرف اراده شاکی خصوصی ارائه دهند و شهادت اجتهاد و استنباط جدید ندارند و از سوی دیگر برخی از مقامات علی‌رغم پافشاری که بر اجرای ظاهری این احکام به‌عنوان احکام قطعی لایتغیر الهی در داخل دارند در مواجهه با منتقدان خارجی در خارج از کشور، کوتاه می‌آیند و انفعالی برخورد می‌کنند راه برای ابراز چنین پیشنهادهایی باز می‌شود.

لابد در پی تشکیل چنین انجمنی، باید «انجمن حمایت از قربانیان حدود» هم تشکیل

شود و از جمله وظایف این انجمن مثلاً می‌تواند این باشد که به متهمین زنای محصنه آموزش دهد چگونه از گودال اجرای حد رجم فرار کنند، تا حد رجم از آنان ساقط شود. به هر حال این جانب پیشنهاد تشکیل چنین انجمنی را مفید و مناسب نمی‌دانم. آنچه لازم است انجام شود کار ریشه‌ای در مورد نوع مجازات‌های قانونی و اصلاح مقررات در این زمینه پس از دریافت نگرش و بینش جدید در خصوص میانی اسلامی مجازات‌هاست.

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

## رد قطعنامه نقض حقوق بشر علیه ایران

بسمه تعالی

شماره ۸۱/۳۵۳۶

تاریخ ۱۳۸۱/۲/۱۲

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی

ریاست محترم جمهوری اسلامی

با سلام

رد قطعنامه پیشنهادی اتحادیه اروپا در خصوص نقض حقوق بشر علیه جمهوری اسلامی ایران در کمیسیون حقوق بشر را که بدون تردید موجب سربلندی، عزت و اعتبار کشور و نظام در جامعه جهانی است، به جناب عالی تبریک می‌گویم و خوشحالم که قبل از تشکیل اولین جلسه کمیسیونی که طبق دستور شما منعکس در نامه شماره ۱۰۲۷۶-۸۰/م مورخ ۱۳۸۱/۱/۱۴ مأمور تهیه و تدوین طرح و یافتن راهکارهایی برای خاتمه نظارت شده بود، با رأی نیاوردن قطعنامه پیشنهادی به نحو بسیار آبرومندانه‌ای، فعلاً این نتیجه حاصل شد و نام جمهوری اسلامی ایران از لیست کشورهای که وضعیت حقوق بشر آن‌ها تحت نظارت و رسیدگی ویژه سازمان ملل است خارج شد. امیدوارم اگر نظر جناب عالی بر ادامه کار این کمیسیون قرار گرفته، بتواند اقدامات هماهنگ و مثبتی در جهت بهبود هر چه بهتر اوضاع، تثبیت فرهنگ حقوق بشری در همه نهادها و اجرای درست اصول قانون اساسی و موازین اسلامی انجام داده و زمینه طرح و تصویب مجدد قطعنامه و قرار گرفتن در وضعیت ویژه را از میان بردارد. و مردم خوب و با فرهنگ ایران آن گونه که استحقاق و شایستگی آن را دارند از حقوق و آزادی‌های اساسی و انسانی و رفاه مناسب برخوردار گردند و دولت منتخب چنین مردمی جایگاه و منزلت عزتمند و آبرومندانه خود را در سطح جهانی به دست آورده و حفظ کند.

آقای کوپیترن که اکنون باید از او به عنوان نماینده ویژه سابق کمیسیون حقوق بشر در مورد ایران یاد کرد، آخرین بند گزارش مکتوب و مشروح خود به اجلاس امسال



کمیسیون را که آخرین گزارش او محسوب می‌شود، به بیان بازتاب آرزوی رییس‌جمهور برای کشورش اختصاص داد با این بیان که: «مردم ایران قطعاً استحقاق آن را دارند که ببینند و بلکه مطالبه کنند فرا رسیدن روزی را که فرهنگ حقوق بشری در این سرزمین باستانی که سهم عظیمی در تاریخ تمدن جهان دارد شکوفا شده باشد».

جناب آقای رییس‌جمهور قصد تصدیق بیشتر ندارم و در این مجال در مقام تحلیل علل عدم تصویب قطعنامه نیستم ولی موقع را مغتنم شمرده، اجازه می‌خواهم به اختصار به چند نکته زیر اشاره نمایم:

۱- چنان که مستحضرید قطعنامه امسال با افزایش یک رأی منفی نسبت به آراء مثبت (۲۰ منفی، ۱۹ مثبت و ۱۴ ممتنع) رد شد عوامل گوناگونی کم و بیش در عدم تصویب قطعنامه نقش داشتند که از جمله می‌توان این موارد را برشمرد: تلاش فراوان، فعالیت و مذاکرات سیاسی توأم با تدبیر و ظرافت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در ژنو و همکاری خوب برخی از سفرا و نمایندگی‌ها و مسؤولان و کارشناسان بخش امور بین‌الملل و حقوق بشر وزارت امور خارجه، عضویت تعداد قابل ملاحظه‌ای از کشورهای اسلامی و موافق جمهوری اسلامی ایران در کمیسیون، جو احساسی حاکم بر کمیسیون به‌خاطر مسأله فلسطین و طرح جنایات و اعمال ضد انسانی اسرائیل علیه مردم فلسطین، جلوه کردن بیشتر جنبه سیاسی بودن و گزینشی بودن قطعنامه‌های مطروحه از سوی اتحادیه اروپا، به‌خصوص با طرح قطعنامه نقض حقوق بشر علیه زیمبابوه، رخ ندادن حادثه و واقعه خاصی در دوره اجلاس کمیسیون که بهانه به‌دست بانیان قطعنامه بدهد برخلاف رویه معمول در سال‌های گذشته، نطق متین و وزین نماینده ایران قبل از رأی‌گیری، کم‌دقتی بانیان قطعنامه در ذکر برخی از مطالب و عدم توجه و یا بی‌اطلاعی آنان از اقدامات و مصوبات دولت و مجلس و تذکر خوب و به‌جای این مطلب از سوی دولت پاکستان، پس از معرفی قطعنامه. ولی مهم‌تر از همه این‌ها، به‌نظر این‌جانب، جاافتادن این مطلب برای همه دولت‌ها و اعضای کمیسیون حقوق بشر حتی برای بانیان قطعنامه بود که دولت جمهوری اسلامی ایران صادقانه و با حسن نیت در مسیر

اصلاحات گام برمی دارد و به سمت بهبود اوضاع پیش می رود هر چند موانع و مشکلات زیادی در این راه دارد و یا کندی و گاه ناتوانی از خود بروز می دهد، این حس اعتماد جهانی که به عزم دولت و به خصوص رییس جمهور در اصلاح امور و صداقت او به وجود آمده و هم در گزارش نماینده ویژه و هم اظهارات اکثر نمایندگان دولت ها منعکس است به نظر این جانب از مؤثرترین عوامل در عدم تصویب قطعنامه به حساب می آید و این نکته ای است که امیدوارم همان طور که از نظر جناب عالی مخفی نیست، از دید دیگر مسئولین و تصمیم گیران نظام نیز مغفول نماند.

۲- شایسته است همان طور که خود حضرت عالی توجه فرمودید مسأله نداشتن قطعنامه نقض حقوق بشر و خروج از وضعیت نظارت واقعاً برای اعتبار نظام و کشور، مهم و جدی تلقی گردد، وقتی دیده می شود کشورهای اروپایی بانی قطعنامه برای تصویب قطعنامه فعالیت های وسیع و جدی در سطح سفیر، وزیر امور خارجه و حتی گاه در سطح رییس کشور، صورت می دهند، معلوم می شود داشتن و نداشتن قطعنامه برای یک کشور امر مهمی است بنابراین حال، که پس از ۱۹ سال، در مورد ایران، این طلسم شکسته شده، مناسب است از همین تاریخ، فعالیت های سیاسی، مذاکرات دو جانبه و چند جانبه، در موقعیت ها و عرصه های مختلف ادامه یابد و بستر مناسب سیاسی برای عدم طرح مجدد قطعنامه در مجمع عمومی و یا اجلاس آینده کمیسیون و یا رفع زمینه عدم تصویب آن فراهم آید. طبعاً حساسیت لازم نسبت به این امر، اقتضا می کند که دستگاه های مربوط با هماهنگی با یکدیگر از ارتکاب هرگونه اقدام خلاف قانون و ناقض حقوق افراد خودداری کنند تا دستاویزی برای طرح مجدد قطعنامه نباشد. اگر نظرتان بر بقای کمیسیونی، که دستور تشکیل آن را دادید باشد، با تقویت آن و تأکید بر فعال بودنش می تواند نقش مهمی در هدایت فعالیت های سیاسی و غیرسیاسی در این زمینه داشته باشد.

۳- همان طور که خود حضرت عالی فرمودید بالاتر از همه این ها وظیفه اصلی و مهم، تلاش در جهت رعایت حقوق شهروندان و هدف اصلی جلوگیری از نقض حقوق مردم است. اگر قطعنامه کمیسیون حقوق بشر هم نباشد و حکومت از مکانیزم نظارتی آن

خلاص گردد، نظارت الهی و مردمی خواهی نخواهی وجود دارد، هم خداوند احکم الحاکمین و هم تاریخ و وجدان بیدار عمومی، قضاوت خود را خواهند کرد، بنابراین در همه اجزای حکومت باید تلاش بر این باشد که تصمیمات عادلانه گرفته شود و اقدامات منطبق بر قانون و عدالت و در جهت حفظ حقوق آحاد ملت صورت گیرد تا حکومت پاسخگو در برابر خدا و مردم و جامعه جهانی سربلند باشد.

حسین مهرپور

مشاور رئیس جمهور و

رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

## گزارش کمیته رفع تبعیض نژادی

بسمه تعالی

شماره ۸۲/۳۹۷

تاریخ ۱۳۸۲/۶/۲۴

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام

با توجه به شرکت در شصت و سومین اجلاس کمیته رفع تبعیض نژادی که در روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه ۱۲ و ۱۳ آگوست مطابق با ۲۱ و ۲۲ مرداد ماه سال جاری به بررسی گزارش جمهوری اسلامی ایران می‌پرداخت، گزارش بسیار کوتاهی جهت استحضارتان از اجلاس مزبور را تقدیم می‌کنم.

چنان که اطلاع دارید کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض نژادی یکی از شش معاهده اصلی حقوق بشری است که در ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید و در تاریخ ۴ ژانویه ۱۹۶۹ با تصویب بیست و هفت دولت لازم الاجرا شد. در حال حاضر ۱۶۹ دولت عضو این کنوانسیون هستند و دولت ایران در ردیف نخستین دولت‌هایی است که به عضویت آن در آمده، یعنی در ۱۷ اسفند ۱۳۴۵ آن را امضاء و در تاریخ ۳۰ تیر ماه ۱۳۴۷ با تصویب مجلسین شورا و سنا رسماً به عضویت آن در آمده است.

محتوای اصلی کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض نژادی در قانون‌گذاری و اجرا و جلوگیری از تبلیغات نژادپرستانه می‌باشد که در موقع خود بسیار مهم بود. مواد ۱ تا ۷ کنوانسیون به تعریف تبعیض نژادی و تکلیف دولت‌ها به مبارزه و محو هر نوع تبعیض نژادی و قومی در قوانین و رویه‌های اجرایی خود می‌پردازد. اصطلاح تبعیض نژادی در ماده ۱ کنوانسیون به معنای هرگونه تبعیض؛ محرومیت، محدودیت یا امتیاز بر مبنای نژاد، رنگ، اصل و نسب یا ریشه ملی یا قومی تعریف شده است. این کنوانسیون متعرض

مسأله جنسیت و مذهب و لزوم رفع تبعیض بر این دو اساس نشده است چون دغدغه اصلی تدوین کنندگان این کنوانسیون مسأله تبعیض نژادی و قومی بوده است، البته رفع تبعیض بر اساس جنس و مذهب در معاهدات دیگر حقوق بشری مورد توجه قرار گرفته است.

ماده ۵ کنوانسیون حقوق مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از جمله حق آزادی فکر و وجدان و مذهب و عقیده و بیان را برمی‌شمارد که دولت‌های عضو متعهدند این حقوق را برای اتباع خود بدون اعمال هرگونه تمایزی از حیث نژاد، رنگ یا ملیت و قومیت تضمین نمایند.

طبق ماده ۸ کمیته‌ای مرکب از ۱۸ نفر از کارشناسان عالی‌رتبه به نام کمیته رفع تبعیض نژادی تشکیل می‌شود و دولت‌های عضو طبق ماده ۹ متعهدند هر دو سال یک بار گزارشی در خصوص چگونگی اجرای مفاد این کنوانسیون به کمیته بدهند و کمیته این گزارش را با حضور نمایندگان دولت بررسی نموده نظرات و ملاحظات خود را اعلام می‌دارد.

در اجلاس سال جاری کمیته که از ۴ تا ۲۲ اوت ۲۰۰۳ (۱۳ تا ۳۱ مرداد ۱۳۸۲) برگزار شد گزارش ادواری ۱۱ کشور از جمله: ایران، انگلستان، فنلاند، نروژ و کره مورد بررسی قرار گرفت.

بررسی گزارش دوره‌ای ایران که شانزدهمین و هفدهمین گزارش محسوب می‌شود عصر سه‌شنبه ۲۱ و صبح چهارشنبه ۲۲ مرداد ماه انجام گرفت. گزارش جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با کنوانسیون رفع تبعیض نژادی مشتمل بر کلیاتی در مورد ترکیب جمعیتی و قومی ایران و اقدامات دولت در مناطق محروم و مرزی دارای گروه‌های قومی مختلف و فعالیت‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بود که قبلاً ترجمه انگلیسی آن در اختیار کمیته قرار گرفته و در ابتدای جلسه پس از اظهارات کوتاه آقای شبستری از نمایندگی دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل در ژنو و معرفی اعضاء هیأت شرکت کننده در کمیته، طی سخنانی از سوی رییس اداره حقوق بشر وزارت امور خارجه به معرفی آن پرداخته شد. و آن گاه عضو بلژیکی کمیته (آقای

بوسویه) که به‌عنوان گزارشگر کمیته در مورد گزارش ایران، تعیین شده بود. توضیحاتی در مورد گزارش و نقاط مثبت و ضعف آن و دیدگاه خود در مورد چگونگی اجرای مقررات کنوانسیون رفع تبعیض از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران بیان داشت. و به‌سرعت بحث خود را به اعمال تبعیض بر اساس مذهب ادامه داد و مخصوصاً وضعیت بهاییان و اعمال تبعیض‌های مختلف در مورد آنان را در جمهوری اسلامی ایران و مغایرت آن با کنوانسیون رفع تبعیض تشریح کرد، لازم به‌ذکر است که در جریان اجلاس سال جاری کمیته، بهایی‌ها فعالیت چشم‌گیری داشتند با اعضای کمیته ظاهراً صحبت و به اصطلاح لابی نموده جزوات مفصلی را به انگلیسی و فارسی تهیه و مخصوصاً متن چند دادنامه که مثلاً دادخواست انحصار وراثت فردی را به‌عنوان این‌که بهایی است رد شده و یا فرد بهایی که به غیر عمد کشته شده و دادگاه رأی داده، به‌لحاظ این‌که مقتول عضو فرقه ضاله بهائیت است دیه به او تعلق نمی‌گیرد و نیز متن حکم دادگاه در مورد فردی که عمداً به قتل رسیده و دادگاه به لحاظ بهایی بودن او حکم قصاص و دیه نداده است توزیع می‌کردند و دو سه نفر آن‌ها در جلسه نیز حضور داشتند. گزارشگر کمیته مقداری هم به مسایل مربوط به آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در ایران و اعمال محدودیت بر آن‌ها و بستن تعداد زیاد مطبوعات اشاره کرد. پس از او چند نفر از اعضاء دیگر کمیته نیز سؤالاتی مطرح کردند که عده‌ای از آن‌ها سؤالشان مربوط به بهایی‌ها و اعمال تبعیض در مورد آنان بود.

سپس هیأت ایرانی به بررسی سؤالات طرح شده از سوی اعضاء کمیته و پاسخگویی به آن‌ها و دادن توضیحات پرداخت. در خصوص وضع بهاییان ایراد عدم صلاحیت کرد و اظهار داشت این کمیته و کنوانسیون آن مربوط به هرفع تبعیض بر اساس نژاد، قومیت، زبان و قبیله است و تعرضی نسبت به تبعیض بر اساس مذهب و حتی جنسیت ندارد. یکی از اعضاء مسلمان کمیته نیز این ایراد را وارد کرد و به رییس کمیته تذکر داد که باید فقط براساس نژاد و قومیت مسأله بررسی شود و جای بحث مربوط به تبعیض مذهبی، جای دیگری است مثل کمیته حقوق بشر، کمیسیون حقوق بشر و... ولی برخلاف چهار سال پیش که در همین کمیته موضوع ایران مطرح بود و این ایراد عدم صلاحیت

مقبول واقع شد و جلو طرح مباحث تبعیض مذهبی گرفته شد، در این جلسه این ایراد مقبول نیفتاد.

به هر حال در ماهیت قضیه نیز، از سوی هیأت ایرانی اقداماتی که برای بهبود وضع اقلیت‌های دینی صورت گرفته و عزمی که برای اجرای قانون حقوق شهروندی وجود دارد تشریح شد که وقت جناب‌عالی را به بیان آن مطالب نمی‌گیریم. فقط به چند نکته کوتاه مربوط به جمع‌بندی کمیته و نتیجه‌گیری آن و توصیه‌هایی که صورت گرفته نظرتان را جلب می‌کنم.

۱- پس از بیان خوشامدگویی و نقاط مثبت گزارش و تحسین برخی اقدامات انجام شده در جمهوری اسلامی ایران مخصوصاً در مورد پناهندگان برای اولین بار به هر حال کمیته نگرانی خود را در خصوص تبعیضاتی که برخی از اقلیت‌ها از جمله بهایی‌ها با آن مواجه‌اند و از برخی حقوق محروم هستند اعلام کرده و اصلاح مقرراتی را که به نظر می‌رسد از لحاظ قومی و مذهبی تبعیض‌آمیز هستند خواستار شده است (بند ۱۴ ملاحظات و جمع‌بندی کمیته) و به هر صورت این بدعت در کمیته گذاشته است و کنوانسیون رفع تبعیض نژادی را که قاعدتاً جمهوری اسلامی با آن کمترین مشکل را داشت با این تصمیم کمیته و ورود در تبعیض مذهبی و پیوند زدن آن به تبعیض قومی وارد مرحله تازه‌ای کرد. و به اصطلاح جبهه جدیدی گشوده شد، حال، این مسأله در خور توجه جناب‌عالی و دیگر مقامات مسؤول است که با این موضوع چگونه باید مواجه شد و چه اقداماتی لازم است انجام داد؟

۲- در بند ۹ جمع‌بندی از دولت خواسته شده، اطلاعات درستی از ترکیب جمعیتی اقوام به خصوص اعراب اهواز در گزارش آینده داده شود و توجه دولت را به توصیه‌های مربوط به شناسایی هویت قومی اعضاء گروه‌های قومیت خاصی جلب کرده است. حدس من این است که این بند با خواست عضو مصری کمیته که در عین این که نسبت به طرح مسایل مذهبی حساسیت نشان می‌داد در مورد قومیت عرب و وضع اعراب خوزستان تعصب به خرج می‌داد، در جمع‌بندی کمیته گنجانده شده است.

۳- در بند ۱۹ یادآوری کرده، که دولت ایران اصلاحیه بند ۶ ماده ۸ کنوانسیون را که

در ۱۵ ژانویه ۱۹۹۲ تصویب شده، هنوز به تصویب نرسانده است و خواسته است که آن را تصویب کند. یادآوری می‌نماید که طبق بند ۶ ماده ۸ کنوانسیون هزینه کمیته به عهده دولت‌های عضو بود و در اصلاحیه‌ای که به عمل آمده مقرر شد هزینه‌ها به عهده سازمان ملل باشد و عملاً هم با تصویب تعدادی از دولت‌ها این اصلاحیه اجرا می‌شود.

ولی به هر حال از لحاظ قانونی این اصلاحیه باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد چون در توصیه جمع‌بندی چهار سال پیش کمیته نیز آمده بود، مناسب است دستور فرمایید سریعاً لایحه اصلاحیه مزبور تهیه و به مجلس داده شود.

۴- در بند ۱۸ یادآوری شده که دولت ایران اعلامیه موضوع ماده ۱۴ کنوانسیون که به کمیته اختیار می‌دهد به شکایات فردی اتباع دولت عضو رسیدگی کند صادر نکرده است و از دولت خواسته است که امکان صدور این اعلامیه را بررسی نماید، با توجه به گرفتاری‌های متعددی که جمهوری اسلامی ایران در نهادهای مختلف حقوق بشری دارد، بعید می‌دانم که دولت آمادگی صدور این اعلامیه را داشته باشد ولی به هر حال چون در کمیته هم مطرح شد و گفته شد موضوع به دولت منعکس می‌شود، مطلب را یادآور شدم.

گزارش را با ارایه همین اطلاعات مختصر برای استحضار کلی جناب‌عالی به پایان

می‌برم.

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی



بسمه تعالی

شماره ۳۵۶۳۹

تاریخ ۱۳۸۲/۷/۱

حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر روحانی

دبیر محترم شورای عالی امنیت ملی

جناب آقای دکتر خرازی

وزیر محترم امور خارجه

با سلام

نامه‌ی شماره‌ی ۸۲-۳۹۷ مورخ ۸۲/۶/۲۴ هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی در خصوص گزارش اجلاس کمیته رفع تبعیض نژادی (تصویر پیوست)، به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی‌نوشت فرمودند:

«در خورد توجه جناب آقای دکتر روحانی  
و جناب آقای دکتر خرازی»

سیدعلی خاتمی

## کمیته معاهدات و توصیه‌های یونسکو

بسمه تعالی

شماره ۸۲/۳۹۴

تاریخ ۱۳۸۲/۶/۲۴

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی  
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام

به استحضار می‌رساند به درخواست و تأکید وزارت امور خارجه و نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در یونسکو سفر فشرده سه چهار روزه‌ای (آخر هفته گذشته) به پاریس برای شرکت در یکی از کمیته‌های یونسکو داشتیم که لازم است گزارش بسیار کوتاهی خدمتان ارایه دهم اگر توفیقی دست داد گزارش مفصل‌تری بعداً خواهم نوشت: ۱- چنان که استحضار دارید اساسنامه یونسکو که در ۱۶ نوامبر ۱۹۴۵ تصویب شده و یونسکو را ایجاد کرده در ماده ۱ هدف از تأسیس این سازمان را ایجاد صلح و امنیت به وسیله ارتقاء این همکاری میان ملت‌ها از طریق آموزش، علم و فرهنگ با قصد احترام بیشتر جهانی به عدالت، حکومت قانون، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای مردم جهان بدون تبعیض از لحاظ نژاد، جنس، زبان یا مذهب اعلام کرده است. ایران هم از سال ۱۳۲۷ (۱۹۴۸) عضو یونسکو است.

۲- کنوانسیون مبارزه با تبعیض در آموزش

(Convention against Discrimination in Education)

در ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰، از سوی کنفرانس عمومی یونسکو تصویب و در ۲۲ مه ۱۹۶۲ لازم الاجرا شد. ایران نیز در تاریخ ۱۷ ژولای ۱۹۶۸ (اسفند ۱۳۴۶) به این کنوانسیون ملحق شده و خود را به انجام مفاد آن متعهد کرده است. طبق ماده ۴ این کنوانسیون، دولت‌های عضو متعهدند تساوی فرصت و رفتار در آموزش را ایجاد کنند و از جمله آموزش عالی را به‌طور مساوی قابل دست‌یابی برای همه بر مبنای صلاحیت و توانایی

شخصی برقرار نمایند. در ماده ۱ نیز مفهوم تبعیض در آموزش از نظر این کنوانسیون هرگونه تفاوت، محرومیت، محدودیت یا امتیاز بر مبنای نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی و... اعلام شده است.

۳- شورای اجرایی یونسکو از سال ۱۹۶۵ به بعد در جلسات مختلف قطعنامه‌هایی را گذراند و سرانجام کمیته‌ای را ایجاد کرد به نام: «کمیته مربوط به معاهدات و توصیه‌ها» (Committee on Conventions and Recommendations)

کمیته مزبور اجمالاً نظیر کمیته استاندارد سازمان بین‌المللی کار از یک سو مسئول بررسی گزارش‌های دولت‌های عضو در خصوص اجرای تعهداتشان نسبت به مقررات یونسکو است و از سوی دیگر موظف به بررسی شکایت‌هایی است که مربوط می‌شود به مسایل حقوق بشری که در زمینه صلاحیت یونسکو است، یعنی در زمینه آموزش، علوم و تحقیقات.

به هر حال بدون ورود در تفصیل مطلب، اجمالاً افراد یا گروه‌هایی شخصاً یا به نیابت از دیگران در صورتی که به‌گونه‌ای موضوع به آن‌ها مربوط شود می‌توانند از دولت عضو نسبت به عدم اجرای موازین حقوق بشر در امر آموزش به این کمیته شکایت کنند. کمیته موضوع را به اطلاع دولت عضو می‌رساند و از او توضیح می‌خواهد، و در جلسه غیرعلنی، به‌صورت محرمانه با حضور نماینده دولت مربوط موضوع شکایت را مطرح و توضیحات دولت را اخذ می‌کند. اعضاء کمیته نیز سؤالات خود را مطرح می‌نمایند و سپس جمع‌بندی و اظهار نظر می‌کند. البته بنای کمیته بر رسیدگی دوستانه و حل مشکل از طریق جلب همکاری دولت است. این کمیته مرکب از ۳۰ عضو از نمایندگان دولت‌های عضو یونسکو است.

۴- به هر حال سه شکایت توسط خانمی به نام علایی به عنوان نماینده جامعه بهاییان به نیابت از سه بهایی به نام‌های مرجان فارسی، شراره توکل و رامتین توفیق به کمیته ارایه و ثبت شده بود. موضوع شکایت محرومیت از شرکت در کنکور و دستیابی به آموزش عالی به لحاظ بهایی بودن عنوان شده بود و در واقع نقض کنوانسیون ضد تبعیض در آموزش.

دو شکایت هم به نام آقایان حسین قاضیان و عباس عبدی از سوی شخصی به نام (Ted Vonk) مدیر کل انجمن جهانی پژوهش به کمیته داده شده و در آن از این که دو فرد مزبور به خاطر نظرسنجی و انجام تحقیقات و انتشار نتیجه تحقیقات خود، زندانی و محاکمه و محکوم شده‌اند شکایت شده بود.

کمیته مراتب را به اطلاع نمایندگی ایران رسانده و بررسی‌های مقدماتی انجام داده بود و روز پنج‌شنبه ۸۲/۶/۲۰ برای تشکیل جلسه رسیدگی کمیته و حضور نماینده دولت ایران جهت ادای توضیحات و پاسخ به سؤالات مطروحه تعیین شده بود.

۵- همان‌طور که قبلاً عرض شد با درخواست و اصراری که به عمل آمد، این جانب به پاریس عزیمت نمودم. روز قبل از جلسه را به مطالعه متن شکواییه و آگاهی از چگونگی کار کمیته و مذاکره با نمایندگی ایران در یونسکو پرداختم. آقای دکتر جلالی رییس نمایندگی ایران در آن موقع تشریف نداشتند و روز بعد از جلسه آمدند که به هر حال بنده توفیق زیارتشان را پیدا نکردم با آقای کاشانی نفر دوم نمایندگی مذاکراتی صورت گرفت و توضیحاتی اخذ شد. نامه‌ای هم به امضاء آقای دکتر رحیمی ریاست سازمان سنجش آموزش کشور رسیده بود حاکی از این که قرار است تغییری در فرم ثبت نام آزمون در مورد مذهب انجام گیرد و خواسته شد که موضوع به اطلاع اعضاء کمیته برسد در این نامه ضمن این که تأکید شده موضوع مربوط به بهایی‌ها و شرکت آن‌ها در آموزش عالی در حیطه اختیارات شورای عالی انقلاب فرهنگی است، گفته شده قرار است در فرم‌های آینده به جای سؤال درباره دین داوطلبان سؤال شود که به سؤالات مذهبی کدام یک از ادیان چهارگانه (اسلام، مسیحیت، کلیسیا و زرتشتی) می‌خواهند پاسخ دهند. مفهوم این مطلب این است که عقیده مذهبی افراد تأثیری در پذیرش آن‌ها در کنکور و آموزش عالی ندارد ولی باید مشخص شود که دو اطلب به کدام یک از سؤالات مذهبی ادیان چهارگانه رسمی پاسخ می‌دهد و لازمه این امر آن است که حتی بهایی یا پیرو هر عقیده مذهبی غیررسمی اگر با انتخاب خود به سؤالات مربوط به یکی از ادیان رسمی پاسخ داد می‌تواند به آموزش عالی راه یابد. تصویرنامه سازمان سنجش جهت اطلاع، حضورتان ارسال می‌گردد.

عرب‌ها هر حال بنده در جلسه کمیته حضور پیدا کردم، آقای کاشانی نفر دوم نمایندگی ایران در یونسکو نیز در جلسه حاضر شد. ابتدا رییس کمیته دستور کار کمیته را مطرح نمود و مشاور حقوقی کمیته (Legal Advisor) که سودانی بود در واقع به مثابه دادستان شکواییه شکات را قرائت کرد و آن گاه از این جانب خواسته شد توضیحاتی بدهم. بنده ابتدا کلیاتی در خصوص دیدگاه قانون اساسی در مورد اقلیت‌ها و رعایت حقوق شهروندی برای اتباع ایران بیان کردم. مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص سیاست‌های کلی نظام در بخش اقوام و مذاهب که: «حمایت از مردم ایران از هر طایفه، عشیره و زبان و مذهب به‌عنوان یک ملت واحد... اعلام شده است» یادآور شدم. به این مطلب اشاره کردم که دین رسمی ایران، اسلام است و سه دین دیگر که دارای کتاب آسمانی بوده‌اند به‌عنوان ادیان اقلیت رسمی شناخته شده‌اند. نه دولت و نه هیچ کس دیگر نمی‌تواند عقیده و دین و مذهب دیگری را به‌عنوان دین رسمی بشناسد. ولی طبق اصل ۱۴ قانون اساسی و بسیاری از اصول دیگر با همه اتباع ایران باید با قسط و عدل رفتار شود و حقوقی که به‌عنوان حقوق شهروندی موسوم شده است به آن‌ها داده شود. مفاد بخش دوم نامه سازمان سنجش را نیز ذکر کردم و اجمالاً گفتم اقداماتی در جهت حل برخی از موانع و مشکلات موجود در طریق اجرای حقوق شهروندی برای شهروندان در جریان است.

در مورد شکایت مربوط به آقای عبدی و قاضیان فقط گفتم، دستگاه قضایی آنان را با ادعای اتهاماتی که طبق قانون مجازات ایران جرم محسوب می‌شود تحت تعقیب قرار داده و محاکمه نموده و محکوم کرده است. در خصوص نحوه دستگیری و بازداشت و چگونگی محاکمه و رفتار معموله با آنان، در داخل کشور شکایاتی مطرح شده و نهادهایی چون کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی، هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی منصوب از سوی رییس‌جمهور و کمیسیون حقوق بشر اسلامی در محدوده صلاحیت خود این شکایات را بررسی می‌کنند. و چون در شکایت آمده بود که نامبردگان به ۸ سال و ۹ سال زندان محکوم شدند، توضیح دادم که البته آن محکومیت در دادگاه تجدید نظر به چهار سال تقلیل یافته است. یکی از اعضاء کمیته خواست اگر

ممکن است نسخه‌ای از رأی دادگاه تجدید نظر برای اطلاع کمیته از چگونگی رسیدگی به اعتراض محکوم علیه فرستاده شود.

اعضا کمیته سؤالات مختلفی را که بیشتر مربوط به چگونگی اجرای اصلاحیه سازمان سنجش در فرم آزمون مربوطه می‌شد مطرح کردند که وقت شما را با ذکر آن‌ها نمی‌گیرم. فقط یکی از اعضاء کمیته که هندی بود و سؤالات نسبتاً زیادی را در مورد بهایی‌ها مطرح کرد، از جمله گفت: مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی که بهایی‌ها را از ورود به دانشگاه محروم کرده است پیش روی من است، آیا قرار است اصلاحی در این مصوبه صورت گیرد؟ که در پاسخ با توجه به ارجاعاتی که از سوی حضرت‌عالی به شورای عالی امنیت ملی شده و بحث‌هایی که صورت گرفته همین قدر به‌طور کلی گفتم اقداماتی در این مورد در جریان است.

۷- در پایان دو ملاحظه کوتاه نیز، ناگزیرم به‌عرضتان برسانم:

الف: با این‌که رسیدگی کمیته معاهدات و توصیه‌های یونسکو، اصولاً منجر به تصمیم‌گیری الزامی نمی‌شود و به گفته اعضاء کمیته رسیدگی و مذاکرات مبتنی بر حسن نیت و اظهارنظرهای دوستانه و خیرخواهانه جهت حل موضوعات مطروحه از سوی دولت مشتکی عنه است، متأسفانه نفس طرح موضوع در این مرجع در حالی که مسأله در مراجع دیگری چون کمیسیون حقوق بشر، کمیته سوم مجمع عمومی، کمیته استاندارد سازمان بین‌المللی کار، کمیته رفع تبعیض نژادی و... مطرح است، از لحاظ حیثیتی برای جمهوری اسلامی ایران مناسب نیست و واقعاً لازم است اقدامات میسور به‌خصوص شعارهایی که در رابطه با حقوق شهروندی از سوی مقامات رسمی مملکتی داده می‌شود برای رفع این وضعیت به‌عمل آید.

ب: به‌هر حال مفاد نامه سازمان سنجش مبنی بر تغییر فرم ثبت‌نام کنکور در کمیته مطرح شده و مذاکرات مربوط به آن ثبت شده است و تصور می‌کنم قاعدتاً تلقی اعضاء کمیته این است که اولاً به زودی این تغییر در فرم حاصل خواهد شد، ثانیاً با تحقق این تغییر به هر حال کسی به‌عنوان داشتن عقیده مذهبی خاص از شرکت در کنکور و دستیابی به دانشگاه محروم نمی‌شود مگر این‌که حاضر نشود به‌مواد امتحانی مربوط

به سؤالات مذهبی یکی از ادیان چهارگانه پاسخ گوید. نمی دانم سازمان سنجش که چنین پاسخ رسمی داده است چگونه این موضوع را دنبال می کند ولی به هر حال چون در کمیته یونسکو مطرح شده نمی توان به آن بی توجه بود چون حتماً پیگیری خواهد شد. گزارش کوتاه طرح شکایت از دولت ایران در کمیته معاهدات و توصیه های یونسکو که در نوع خود جدید بود جهت استحضار و احیاناً اقدام لازم حضورتان ارایه گردید. البته صورت جلسه مذاکرات و بحث های به عمل آمده در کمیته را عنداللزوم نمایندگی ایران در یونسکو می تواند ارسال دارد.

جمع بندی و اظهار نظر کمیته نیز، پس از دریافت، جهت اطلاع خدمتتان فرستاده خواهد شود. علی القاعده موضوع برای توضیحات بیشتر و پاسخ های روشن تر در دستور کار باقی می ماند.

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۸۳/۴۰۲۶

تاریخ ۱۳۸۳/۲/۵

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی  
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام

پیرو مذاکره حضوری و با مأموریت وزارت امور خارجه در اجلاس کمیته معاهدات و توصیه‌های یونسکو که از ۲۷ تا ۲۹ فروردین ماه سال جاری (۱۵ تا ۱۷ آوریل ۲۰۰۴) در پاریس برای بررسی شکایت موردی مربوط به نقض حقوق بشر در محدوده صلاحیت یونسکو، تشکیل شد شرکت نمودم، وقت رسیدگی به شکایت مطروحه علیه دولت جمهوری اسلامی ایران ساعت ۵ بعد از ظهر پنجشنبه ۸۳/۱/۲۷ تعیین شده بود، در این جلسه علاوه بر دو موضوع طرح شده در اجلاس شهریور ماه ۸۲ یعنی شکایت مربوط به ممنوعیت ورود بهاییان به دانشگاه‌ها، و تعقیب و محکومیت آقایان عبدی و قاضیان به لحاظ انتشار نتیجه تحقیق و نظرسنجی، مسأله آقای امیرانتظام نیز مطرح شد.

مدیر اداره استانداردهای بین‌المللی و امور حقوقی یونسکو به نمایندگی از مدیر کل یونسکو به ترتیب هر یک از موضوعات را مطرح و ضمن اشاره به توضیحات مطرح شده در جلسه قبل خواستار اطلاعات و توضیحات بیشتر در مورد هر یک از موارد مطروحه از سوی نماینده دولت ایران و احیاناً پاسخ به سؤالات احتمالی اعضاء کمیته شد.

پس از جلسه شهریور ماه کمیته، از دولت جمهوری اسلامی ایران خواسته شده بود توضیحات و اطلاعات بیش‌تر را به صورت مکتوب تا سه هفته قبل از برگزاری اجلاس ۲۷ فروردین ماه ۱۳۸۳ به کمیته ارسال دارد که این‌جانب گزارش آن را خدمت حضرت عالی و وزارت امور خارجه و از آن طریق به قوه قضاییه منعکس نمودم. در مورد بهاییان ظاهراً با نظر و موافقت شورای عالی انقلاب فرهنگی، همان‌گونه که قبلاً از سوی سازمان سنجش اعلام شده بود تغییری در فرم کارت کنکور به عمل آمد و این



تغییر و اصلاحیه در دفترچه‌های کنکور سال ۸۳ منتشر شد که به موجب آن به جای سؤال از دین داوطلب کنکور از او سؤال می‌شود که به معارف دینی مربوط به کدام یک از ادیان رسمی پاسخ خواهد داد و نتیجه این امر این است که اگر فرد بهایی بدون این که لازم باشد مذهب خود را ذکر کند معارف دینی هر یک از مذاهب شناخته شده رسمی را به عنوان ماده امتحانی انتخاب کند مانعی برای شرکت در مسابقه ورودی دانشگاه‌ها نخواهد داشت، این اصلاحیه هر چند با توجه به مصوبه سال ۱۳۶۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی که اصولاً بهاییان را از ورود به دانشگاه‌ها محروم می‌کند و در صورت مشخص شدن اخراج آن‌ها را مقرر می‌دارد، برای شکات قانع کننده نبود ولی به هر حال اندک تحول و بهبودی در این زمینه تلقی می‌شد، سؤالاتی در این مورد از سوی اعضای کمیته مطرح گردید که توضیحاتی داده شد ولی گمان نمی‌کنم اعضاء کمیته قانع شده باشند که موضوع را از دستور کار کمیته خارج کنند، حداقل منتظر نحوه اجرای این امر در کنکور آینده خواهند بود و شکات هم طبعاً موضوع را دنبال خواهند کرد.

در موضوع مربوط به آقای عبدی و قاضیان، هیچ پاسخ و مطلب و اطلاعاتی تا هنگام عزیمت به پاریس از سوی قوه قضاییه واصل نشد، دو روز پس از برگزاری جلسه کمیته در مورد بررسی موضوع ایران توضیحی از دادستانی تهران به دفتر نمایندگی در یونسکو رسید، که تصویر آن به پیوست ارسال می‌گردد. و چنان که ملاحظه می‌فرمایید مطلب تازه‌ای در آن وجود ندارد.

به هر حال در جلسه مطالب حضرت‌عالی را که مساعی لازم در جهت حل و فصل موضوع و گرفتن عفو و آزادی آنان از زندان به عمل می‌آوردید و امیدوارید در آینده نزدیک قضیه فیصله پیدا کند، به سمع اعضاء کمیته رساندم که قاعدتاً منتظر اعلام نتیجه در این زمینه خواهند بود و بنابراین به احتمال زیاد حداقل یک جلسه دیگر کمیته خواهد داشت.

در مورد مسأله آقای امیرانتظام که اصولاً سوابق و مدارک آن در ایران به دست بنده نرسیده بود و در دفتر نمایندگی در پاریس قبل از شرکت در جلسه آن را ملاحظه کردم، از ادامه محکومیت نامبرده و پابرجا بودن حکم زندان وی و نیز تحت تعقیب و در معرض محاکمه قرار داشتن به لحاظ اظهاراتی که چند سال پیش در مصاحبه‌ای پس از بیرون

آمدن از زندان کرده و مطالبی علیه مرحوم لاجوردی گفته بود با توجه به بیماری‌های متعدد او ابراز نگرانی شده و درخواست آزادی قطعی و اطمینان دادن به عدم بازگشت او به زندان شده بود.

در حد اطلاعاتی که وجود داشت توضیحاتی داده شد، و اجمالاً گفته شد به نظر می‌رسد در وضع موجود مقامات قضایی هم تمایلی به ادامه تحمل زندان برای آقای امیرانتظام ندارند و لذا مرتباً مرخصی‌های استعلاجی به نامبرده داده می‌شود ولی مشکل اصلی پرونده آقای امیرانتظام این است که وی به اتهام جاسوسی در دادگاه انقلاب محاکمه و به حبس ابد محکوم شده و حکم صادره طبق مقررات حاکم جاری در زمان محاکمه بر دادگاه انقلاب قطعیت یافته است و هم اکنون تنها چاره برای آزادی قطعی وی، مشمول عفو قرار دادن وی می‌باشد که نامبرده تاکنون حاضر به درخواست عفو نبوده و مصرّ به تجدید محاکمه است و به هر حال اعضاء کمیته اظهار داشتند ما به عنوان یک اقدام بشر دوستانه و خیرخواهانه درخواست عفو برای ایشان تقدیم خواهیم نمود و امیدواریم مقامات مربوطه به این درخواست ترتیب اثر دهند و عفو او را صادر نمایند. بنابراین امکان دارد چنین درخواستی را خدمت جناب عالی بفرستند که طبق موازین جهت گرفتن عفو به مقام معظم رهبری منعکس شود. البته شبیه عدم صلاحیت کمیته و خارج بودن موضوع آقای امیرانتظام از زمینه کاری یونسکو نیز مطرح است و به نحو ظریفی این معنی به اعضا کمیته منعکس شد ولی چون بیش‌تر جنبه انسانی و احساساتی بشر دوستانه مطرح بود روی آن موضوع پافشاری نشد و بر تمایل حکومت به حل انسانی موضوع تأکید گردید.

گزارش بسیار کوتاهی از اجلاس کمیته حضورتان تقدیم شد و لازم است یادآوری نمایم که هر چند طبق مقررات شورای اجرایی (Executive Board) کمیته معاهدات و توصیه‌های یونسکو نه یک دادگاه بین‌المللی و نه یک نهاد ناشی از معاهدات (Treaty Body) می‌باشد و تصمیمات لازم الاتباعی اتخاذ نمی‌نماید و بلکه تلاش می‌نماید با جلب همکاری دولت‌ها به صورت دوستانه موضوعات را حل و فصل کند، ولی به هر حال وقتی شکایت مربوط به نقض حقوق بشر در زمینه‌های آموزشی، علمی، فرهنگی و مربوط به آزادی عقیده و بیان که در حوزه صلاحیت یونسکو است علیه دولتی مطرح

شد، رعایت شأن و اعتبار دولت اقتضا می‌کند که با هماهنگی دستگاه‌های مربوط توضیحاتی متین و مستدل و نشانده صداقت و دلسوزی دولت برای حلّ و فصل منطقی موضوع، هم به صورت رسمی و مکتوب به کمیته تقدیم شود و هم در جلسه کمیته توضیحات لازم داده شود و لذا عموماً دولت‌هایی که شکایاتی علیه آن‌ها مطرح می‌شود، اخلاقاً و طبق عرف و نزاکت بین‌المللی، به هر شکل خود را موظف می‌دانند پاسخ کمیته را بدهند، در اجلاس شهریور ماه گذشته که موضوع ایران مطرح بود، کشورهای بلاروس، چین، میان مار، پاکستان، کوبا، ویتنام و مالزی نیز، مورد شکایت قرار گرفته بودند که در این میان بدترین برخورد از سوی کوبا بود که نماینده‌ای برای شرکت در جلسه رسیدگی کمیته اعزام نکرده بود و موجب اظهار تأسف کمیته شد ولی در عین حال طی یادداشتی پاسخی داده بود. و بهترین برخورد با مالزی بود که در ارتباط با شکایت مربوط به انور ابراهیم، معاون سابق نخست‌وزیر مالزی پاسخ مستدل و مبسوط کتبی در تشریح چگونگی پرونده اتهامی نامبرده ارسال و یک تیم قوی شش نفره را به کمیته اعزام کرده بود که توضیحات مفصل و کاملی در خصوص موضوع به کمیته دادند و تحسین و تشکر فراوان اعضاء کمیته را برانگیختند.

و طبعاً شایسته است حضرت‌عالی دستور فرمایید در ارتباط با این موضوعات مطروحه علیه جمهوری اسلامی ایران، این هماهنگی به نحو مطلوب صورت گیرد و ضمن تلاش برای احقاق حقوق افراد و حلّ و فصل مسایل، برای حفظ شأن و اعتبار نظام، در این مراجع معتبر بین‌المللی، توضیحات مستدل و منطقی و قابل قبول ارائه گردد.

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۸۳/۴۱۶۵

تاریخ ۱۳۸۳/۶/۲۵

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی  
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام

پیرو نامه‌های شماره ۸۳-۴۰۲۶ مورخ ۸۳/۲/۵ و ۸۳-۴۰۹۲ مورخ ۸۳/۳/۲۲ و مذاکره حضوری روز سه‌شنبه ۸۳/۶/۱۷ همان‌طور که به استحضارتان رسید اعضای کمیته معاهدات و توصیه‌های یونسکو از مقامات عالی‌رتبه جمهوری اسلامی ایران صرفاً بر مبنای ملاحظات بشر دوستانه و خیرخواهانه خواستار عفو آقای عباس امیرانتظام به‌لحاظ کهولت سن و بیماری تقریباً مداوم او شدند و این درخواست را در جمع‌بندی بررسی کمیته که به نمایندگی جمهوری اسلامی ایران تسلیم کردند و بنده در گزارش قبلی حضورتان منعکس کردم مطرح نمودند، با توجه به جمیع جهات و ملاحظات انسانی که خود و قوف کامل دارید و برای خاتمه یافتن این قسمت از پرونده مطروحه در کمیته فوق‌الذکر در یونسکو اگر صلاح می‌دانید ترتیب درخواست عفو باقی مانده محکومیت نامبرده از محضر مقام معظم رهبری داده شود. طبق بند ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی عفو و تخفیف مجازات محکومین در اختیار مقام معظم رهبری است که پس از پیشنهاد رییس قوه قضاییه این امر صورت می‌گیرد هرگونه صلاح می‌دانید برای تحقق عفو اقدام گردد.

ضمناً همان‌گونه که در گزارش قبلی نیز حضورتان اعلام شد جلسه بعدی کمیته در روزهای ۸ و ۹ مهر ماه ۱۳۸۳ برگزار می‌گردد.

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمہ تعالیٰ

شماره ۸۳/۶۰۷۶

تاریخ ۱۳۸۳/۷/۱

مقام معظم رہبری حضرت آیة اللہ خامنہ ای مدظلہ العالی

با سلام و تحیت

پیرو مذاکرہ حضوری بہ پیوست نامہ شمارہ ۸۳-۴۱۶۵ مورخ ۱۳۸۳/۶/۲۵ جناب آقای مہرپور را تقدیم می دارم. درخواست یونسکو صرفاً خیرخواہانہ و پیشنهاد است. البتہ حضرات حاضر بودہ اند کہ خود چنین تقاضایی را از محضر مبارک بکنند کہ بہ نظر ما بہ مصلحت نبود. اگر راہی برای حل مسألہ متصور باشد و ازادہ حضرت عالی نیز بر آن قرار گیرد، موجب امتنان است کہ نتیجہ را امر بہ ابلاغ فرمایید.

با احترام

سید محمد خاتمی

رونوشت:

- جناب آقای دکتر مہرپور

- رییس محترم ہیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

از همین نویسندگان منتشر شده است:

- ۱- بررسی میراث زوجه در حقوق اسلام و ایران  
انتشارات اطلاعات، تهران، چاپ اول ۱۳۶۸، چاپ سوم ۱۳۷۶
- ۲- مجموعه نظریات شورای نگهبان (در سه جلد)  
انتشارات کیهان، تهران، ۱۳۷۱
- ۳- دیدگاه‌های جدید در مسایل حقوقی  
انتشارات اطلاعات، تهران، چاپ اول ۱۳۷۲، چاپ دوم ۱۳۷۴
- ۴- حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران  
انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۴
- ۵- منتخبات من المباحث الفقهية  
سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران، چاپ اول  
۱۳۷۶، چاپ دوم ۱۳۸۰
- ۶- نظام بین‌المللی حقوق بشر  
انتشارات اطلاعات، تهران، چاپ اول ۱۳۷۷، چاپ دوم ۱۳۸۳
- ۷- حقوق بشر و راهکارهای اجرای آن  
انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۸
- ۸- مباحثی از حقوق زن  
انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۹
- ۹- رییس جمهور و مسؤولیت اجرای قانون اساسی (جلد اول)  
انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۸۰
- ۱۰- رییس جمهور و مسؤولیت اجرای قانون اساسی (جلد دوم)  
انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۸۴